

## سازمان‌های مردم‌نهاد به مثابه صدای بزه‌دیدگان آسیب‌پذیر؛ نگاهی به رویکرد قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲

کوثر شکریان کوننده\*      ابراهیم قدسی\*\*

### چکیده

قانون‌گذار ایران همسو با اندیشه‌های سیاست‌جنایی مشارکتی، حمایت سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن‌ها) از بزه‌دیدگان آسیب‌پذیر را نیز پذیرفته است. این گروه‌ها به واسطه شرایط فیزیکی و اجتماعی در برابر جرم آسیب‌پذیرترند و نیازمند حمایت ویژه هستند. برای تحقق این هدف در ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ به سمن‌ها اجازه حمایت از بزه‌دیدگان در رسیدگی کیفری، از طریق اعلام جرم و شرکت در دادرسی داده شده است. مقاله حاضر نیز با هدف بررسی کارکرد سمن‌ها به دنبال پاسخ به این پرسش است که آیا سمن‌ها کارایی لازم در حمایت از بزه‌دیدگان را دارند. یافته‌ها نشان می‌دهند که تدابیر حمایتی مذکور، با چالش‌هایی روبه‌رو هستند؛ فقدان معیار ارزیابی سمن‌ها، محدودیت مداخله آن‌ها و بی‌اطلاعی قضات سبب می‌شود تا بهره‌مندی خوبی از آن‌ها به عمل نیاید. علاوه بر این، سمن‌ها دارای ماهیت حقوقی ضعیفی بوده و اغلب مستقلانه عمل می‌کنند، با رسانه‌های جمعی همکاری نداشته و غالباً فاقد تخصص هستند. همچنین از اعتماد دولت و مردم و وضعیت مالی خوبی برخوردار نیستند. از این‌رو لازم است هم در قانون‌گذاری تدابیری اندیشیده شود و هم به قضات آموزش‌های لازم در این خصوص داده شود. همچنین باید تلاش شود تا سمن‌ها جایگاه اجتماعی خوبی در جامعه پیدا کرده، با درآمدزایی وابستگی خود را کاهش داده و بهتر بتوانند از افراد آسیب‌پذیر حمایت کنند.

**واژگان کلیدی:** بزه‌دیدگان آسیب‌پذیر، چالش‌ها، دعوای کیفری، سازمان‌های مردم‌نهاد.

\* دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

shokriyan.law@gmail.com

\*\* دانشیار گروه جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران. (نویسنده مسئول)

ghodsi@umz.ac.ir

## سرآغاز

بر اساس یافته‌های علم بزه‌دیده شناسی، احتمال بزه‌دیدگی برخی از افراد به دلیل ویژگی‌های جسمی و اجتماعی بیش از سایرین است. این اشخاص، بزه‌دیدگان آسیب‌پذیر نامیده می‌شوند؛ به این معنا که بیش از سایرین بزه‌دیده جرائم واقع می‌شوند، زیرا طعمه‌های سهل‌الوصول‌تری برای بزه‌کاران هستند. به همین دلیل، قوانین باید به حمایت کیفری از این افراد بپردازند تا ضریب آسیب‌پذیری آن‌ها کاهش یابد. در واقع، هر اندازه افراد جامعه در حمایت از خود ناتوان باشند، قوانین کیفری باید حمایت بیشتری از آن‌ها به عمل آورند، زیرا اگر نظام کیفری به بزه‌دیدگان آسیب‌پذیر توجهی نشان ندهد نتیجه‌ای جز مایوس شدن و سرنوشتی جز بزه‌دیدگی دوباره برای آنان به همراه نخواهد داشت. جامعه نیز نمی‌تواند نسبت به حقوق از دست رفته بزه‌دیده سکوت کند. همبستگی میان اعضای جامعه می‌طلبد که آن‌ها نسبت به هم بی‌تفاوت نباشند و برای رفع مشکلات یکدیگر تلاش کنند. یکی از مهم‌ترین راه‌های مشارکت جامعه در این مسیر، ایجاد سازمان‌دهی و مداخله سمن‌ها در حمایت از بزه‌دیده است.

سمن‌ها در عرصه ملی و بین‌المللی دارای کارکردهای مهمی هستند و در بسیاری از امور نقش به‌سزایی در حمایت از افراد و حتی دولت‌ها داشته‌اند. همین امر سبب شد تا در عرصه داخلی، قانون‌گذار در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ به جایگاه این سازمان‌ها توجه بیشتری کرده و از ظرفیت آن‌ها برای حمایت کیفری از بزه‌دیدگان آسیب‌پذیر بهره‌برد. قانون‌گذار در این قانون سمن‌ها را موظف کرده تا در مورد بزه‌دیدگان آسیب‌پذیر نظیر زنان، اطفال و نوجوانان و معلولین وارد عمل شده و در فرآیند کیفری مربوط به آنان مداخله کنند. با این وجود، بهره‌گیری از این سازمان‌ها در حمایت از بزه‌دیدگان آسیب‌پذیر چندان موفقیت‌آمیز نیست و چالش‌هایی را به همراه دارد. این چالش‌ها از دو بعد قابل‌طرح هستند: یک بعد آن چالش‌های کیفری است که به قانون‌گذاری، نحوه و میزان مداخله سمن‌ها در فرآیند رسیدگی کیفری و محدودیت‌های آن‌ها اشاره دارد. بعد دیگر، چالش‌های غیر کیفری است که به ساختار داخلی سمن‌ها،

خودمختاری، نداشتن منابع مالی و نیروی کار حرفه‌ای، عدم اتحاد آن‌ها به یکدیگر و فقدان حمایت و پشتیبانی اجتماعی و دولتی برمی‌گردد.

در مقاله حاضر به این چالش‌ها پرداخته می‌شود و به سؤالات ذیل نیز پاسخ داده می‌شود: آیا وابستگی مالی سمن‌ها به دولت‌ها، به حقوق بزه‌دیدگان آسیب‌م‌رساند؟ آیا می‌توان از ظرفیت خود سمن‌ها برای پول‌سازی و حمایت مالی از بزه‌دیدگان گام برداشت؟ آیا عدم تعهد و تخلف سمن‌ها و خساراتی که ممکن است از اقدامات آن‌ها به بزه‌دیدگان وارد شود دارای ضمانت اجرا است یا خیر و این‌که چه راه‌هایی برای برون‌رفت از چالش‌های پیش رو وجود دارد؟

برای ورود به بحث، ابتدا مفاهیم و اصلاحات تعریف می‌شود. در ادامه، مبانی حمایت سمن‌ها از بزه‌دیدگان آسیب‌پذیر مورد توجه قرار می‌گیرد، سپس چالش‌های حمایت سمن‌ها از بزه‌دیدگان در دو بخش کیفری و غیرکیفری مطرح شده و در پایان پیشنهادهایی ارائه می‌شود.

## ۱. تعاریف

سمن‌ها سازمان‌هایی مردم‌نهاد و خودجوش با تکیه بر حضور مردم‌اند و بزه‌دیده نیز شخصی است که از وقوع جرم آسیب دیده است. حضور سمن‌ها در کنار بزه‌دیدگان از این جهت که سبب تقویت و قدرتمند شدن آن‌ها می‌شود ارزشمند بوده است. در ادامه، ابتدا این دو مفهوم تعریف می‌شوند.

### ۱-۱. سمن‌ها

سازمان‌های مردم‌نهاد، گروه‌های ارادی متشکل از افراد یا تشکل‌هایی هستند که با عدم وابستگی به دولت‌ها تلاش دارند تا خدمات عمومی ارائه کرده یا از سیاست عمومی حمایت به عمل آورند (کوهکن، ۱۳۸۸: ۴). به‌موجب ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی تأسیس و فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد مصوب ۱۳۸۴ نیز، سازمان‌های مردم‌نهاد گروهی از اشخاص حقیقی یا حقوقی غیر حکومتی هستند که به صورت داوطلبانه با رعایت مقررات تأسیس

شده و دارای اهداف غیرانتفاعی و غیرسیاسی هستند. این سازمان‌ها از این جهت ارزشمندند که هدف آن‌ها کسب سود نیست و به دنبال همیاری هستند. انتفاعی بودن سمن‌ها سبب می‌شود اهداف عالی آن‌ها در حاشیه قرار گیرد و اعضا به تدریج از هدف اصلی فاصله گرفته و به دنبال کسب سود به عضویت این سمن‌ها درآیند.

#### ۱-۲. بزه‌دیده

بزه‌دیده به شخصی گفته می‌شود که به دنبال رویداد یک جرم، آسیب و زیان یا آزار می‌بیند که این آسیب ممکن است بدنی، عاطفی، مالی و یا آسیب اساسی به حقوق بنیادی وی باشد (عزیزی، ۱۳۸۸: ۱۸).

ماده ۱۰ ق.آ.د.ک نیز بزه‌دیده را این‌طور تعریف می‌کند: «شخصی است که از وقوع جرم متحمل ضرر و زیان می‌شود...».

#### ۲. مبانی حمایت سمن‌ها از بزه‌دیدگان آسیب‌پذیر

هر بحث علمی برای این‌که بتواند در بین سایر علوم بشری مورد توجه واقع شود، نیاز به مبنای قوی و مستحکمی دارد. از طرفی در مسائل حقوقی اگر یک مسئله بخواهد از جایگاهی در قانون برخوردار شود نیاز به وجود این مبانی برای آن حیاتی‌تر خواهد بود (عزیزی، ۱۳۸۸: ۲۴). در بحث مورد نظر ما نیز جهت توجه دادن بیشتر مقام‌های سیاسی و قانون‌گذاران به حمایت از بزه‌دیدگان آسیب‌پذیر، ناگزیر باید این مبانی بیان شوند تا حساسیت و توجه این افراد را برانگیزند.

#### ۲-۱. مبنای ارزشی

این نظریه در ابتدا توسط عزت‌الله‌الفتح مطرح شده است (توجهی، ۱۳۸۰: ۵۲) و مطابق آن حمایت از قربانیان بزهکاری باید بخشی از ارزش‌های اساسی جامعه محسوب شود. تعهدات هر جامعه نسبت به بزه‌دیدگان، باید از نظر اعتقادی در اعماق نظام کلی آن جامعه ریشه بگستراند (فتح، خطاطان، نجفی ابرنآبادی، ۱۳۷۱: ۸۹).

به این ترتیب حقوق قانونی بزه‌دیدگان آسیب‌پذیر، از جایگاه و ارزشی که آن‌ها در جامعه دارند سرچشمه می‌گیرد؛ بنابراین هرچه قدر بزه‌دیدگان آسیب‌پذیر مورد توجه و عنایت بیشتری در جامعه باشند تلاش بیشتری برای حمایت از آن‌ها صورت می‌گیرد و حمایت سمن‌ها از این افراد نیز مبین میزان توجه جامعه به این افراد است. علاوه بر این، حمایت از افراد نیازمند نیز جزو ضروریات و ارزش‌های یک جامعه است و بزه‌دیدگان نیز نوعاً نیازمند محسوب می‌شوند.

## ۲-۲. اهمال دولت‌ها

این نظریه توسط ریموند گسن مطرح شد (گسن، ۱۳۷۰: ۱۹۷) و می‌توان به موجب آن، لزوم حمایت جامعه مدنی از بزه‌دیدگان را متأثر از ناتوانی دولت‌ها در جلوگیری از بزهکاری دانست، زیرا وظیفه دولت حفاظت از افراد جامعه است و کوتاهی در انجام این وظیفه سبب شده تا سیاست‌های حمایتی جهت وارد کردن جامعه مدنی به فرآیند رسیدگی کیفری اتخاذ کند. در تأیید این موضوع می‌توان به نظر گسن اشاره کرد. او معتقد است که جنبش بزه‌دیده‌شناسی بر اثر ناتوانی جوامع غربی در جلوگیری از رشد صعودی و مداوم بزهکاری در ۲۰ تا ۳۰ سال اخیر به وجود آمده است؛ به‌گونه‌ای که بر اثر فقدان قدرت عملی در مورد علل جرم، تنها چاره ممکن حمایت از بزه‌دیده و تخفیف اثرات پدیده مجرمانه عنوان شده است (توجهی، ۱۳۷۸: ۳۰).

## ۲-۳. تقلیل بزهکاری

به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین مبانی حمایت سمن‌ها از بزه‌دیدگان، نقش مؤثر آن در تقلیل بزهکاری باشد. حمایت از بزه‌دیدگان، آنان را از موقعیت آسیب‌پذیری و بزه‌دیدگی مکرر خارج می‌سازد، زیرا همان‌گونه که برخی از جرم‌شناسان معاصر از جمله گراهام فارل در توجیه بزه‌دیدگی مکرر خاطر نشان کرده‌اند، میزان خطر وقوع بزه دوم علیه بزه‌دیده، به نوع واکنش وی در قبال بزه اول بستگی دارد (توجهی، ۱۳۷۸: ۳۱).

علت بزه دیدگی ثانوی از نظر برخی برخاسته از نظریه «انتخاب منطقی بزهکاران» است. مطابق این نظریه، بزهکاران آماج‌های بالقوه خود را با حسابگری انتخاب می‌کنند و تنها راه بستن این انتخاب منطقی بزهکار، حمایت کافی و مناسب از بزه‌دیده در جهت تقویت موقعیت وی است (فارل، فیلیپس و پیس، ۱۳۸۵: ۱۴۱).

بنابراین، حمایت از بزه‌دیدگان آسیب‌پذیر از این جهت ارزشمند است که موجب باز توانی آن‌ها می‌شود و آن‌ها را از ضعف خارج می‌سازد، زیرا بزه‌دیده قبل از برخورداری از چنین حمایتی، در مقابل بزهکار حالت ضعف و ترس دارد و نمی‌تواند به راحتی از خود دفاع کند اما اگر او بداند که یک سازمان اجتماعی مستحکم و مقتدر حامی از حالت بزه‌دیده بالقوه خارج شده و به فردی قدرتمند تبدیل می‌شود خطر بزه‌دیده شدن خود را کاهش می‌دهد.

#### ۲-۴. امنیت قضایی و برابری اجتماعی

امنیت قضایی حالتی است که در آن حیثیت، جان، مال و کلیه امور مادی و معنوی انسان، در حمایت از قانون و در صیانت قوه قضاییه باشد. (اصل ۲ ق.ا). تأمین چنین امنیت عادلانه‌ای برای همه و تساوی عموم در برابر قانون، بر عهده حکومت و قوه قضاییه است (زارعی، ۱۳۸۶: ۱۶). حکومت این مهم را از طریق به کارگیری سمن‌ها برای بزه‌دیدگان خاص فراهم می‌کند، زیرا طبق اصل دادرسی منصفانه، طرفین باید از امکانات برابر در فرآیند کیفی برخوردار باشند. حال آن‌که بزه‌دیدگان آسیب‌پذیر اغلب به دلیل شرایط جسمانی و اجتماعی در موقعیت ضعیف‌تری نسبت به بزه‌کار قرار دارند، از این رو نیازمند حمایت ویژه هستند تا تعادل در سلاح‌ها محقق شود.

#### ۳. بزه‌دیدگان مورد حمایت سازمان‌های مردم‌نهاد

با توجه به دشواری‌هایی که بزه‌دیدگان از جهت آثار بزه‌دیدگی یا دسترسی‌شان به عدالت با آن روبه‌رو هستند، حمایت ویژه از گونه‌های خاصی از بزه‌دیدگان - مانند زنان، کودکان، سالمندان، ناتوانان، اقلیت‌ها، بزه‌دیدگان جرم‌های جنسی، بزه‌دیدگان خشونت

خانگی، بازماندگان قتل و مانند آن - ضروری است. این حمایت ویژه با توجه به تنوع گونه‌های حمایت از بزه‌دیدگان شکل‌های گوناگونی همچون حمایت مالی، حقوقی، عاطفی و پزشکی به خود می‌گیرد (رایجیان اصلی، ۱۳۸۴: ۱۹). یکی از شیوه‌های حمایتی، استفاده از سمن‌ها جهت مداخله در فرآیند دادرسی بزه‌دیدگان خاص است. در راستای تحقق این مهم، قانون‌گذار در سال ۱۳۹۲ ماده ۶۶ ق.آ.دک را به تصویب رساند و در آن سمن‌ها را به حمایت از بزه‌دیدگان خاص در فرآیند رسیدگی کیفری فراخواند. در ادامه افراد تحت حمایت سمن‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرند.

### ۱-۳. اطفال و نوجوانان

یکی از عوامل زیست‌شناختی آسیب‌پذیری افراد، طفولیت است. از منظر بین‌المللی که در کنوانسیون حقوق کودک سازمان ملل هم منعکس شده است، کودکان بزه‌دیده به معنای کلیه افراد زیر هجده سال اطلاق می‌شود که در اثر رفتارهای مجرمانه در دوران کودکی، آسیب دیده‌اند (Rayejian, 2013: 57). آسیب‌پذیری فرد از نظر معیار آسیب‌شناسانه سن نه‌تنها در برخی از شاخه‌های علوم جنایی (مانند جرم‌شناسی و حقوق کیفری فنی) جایگاه ویژه‌ای دارد، بلکه موضوع یکی از شاخه‌های سیاست جنایی افتراقی است (رایجیان اصلی، ۱۳۸۴: ۲۶).

اطفال و نوجوانان به دلیل شرایط ویژه سنی و جسمی، ناتوان از دفاع بوده و در مقایسه با افراد بزرگسال بیشتر در معرض خطر قرار دارند. واقعیت نیز این است که کودکان قربانی‌ترین بخش جمعیت هستند و با توجه به منابع موجود نیز، کودکان بالاترین میزان آسیب‌پذیری از جرائم را دارند (Finkelhor, 2011: 14). بررسی‌ها نشان می‌دهد در طول دهه ۱۹۹۰، میزان ضرب و جرح تهاجمی علیه جوانان ۱۲ تا ۱۷ ساله ۱۵/۵ در هر هزار نفر بود؛ یعنی بیش از دو برابر نرخ جمعیت عمومی. از نظر خشونت نیز، به‌طور کلی خشونت بر روی اطفال و نوجوانان ۲/۶ برابر بیشتر بود (Finkelhor, 2011: 14). کودکان به دلیل وضعیت آسیب‌پذیر خود، به عنوان «افراد بالقوه آسیب‌پذیر» شناخته می‌شوند و به

دلیل همین وضعیت، قانون‌گذار به حمایت‌های کیفری افتراقی از آن‌ها مبادرت ورزیده است (زینالی و مقدسی، ۱۳۹۱: ۶۰).

یک نمونه از حمایت افتراقی از اطفال بزه‌دیده استفاده از سمن‌ها جهت حمایت از طفل بزه‌دیده در فرآیند رسیدگی کیفری است که در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ مورد پیش‌بینی قرار گرفته است. این اقدام ضریب آسیب‌پذیری اطفال و نوجوانان در برابر جرم را پایین آورده و در عین حال از بزه‌دیدگی ثانویه آن‌ها پیشگیری می‌کند.

### ۳-۲. زنان

بزه‌دیده‌شناسی حمایتی به دنبال تخصصی کردن سازوکارهای حمایت از گروه‌های خاص بزه‌دیدگان بوده و بزه‌دیدگان زن یکی از اهداف حمایتی آن است. زنان به دلیل شرایط جسمی و اجتماعی، طعمه آسان‌تری برای قربانی شدن هستند. زنان شهروندانی هستند که باید همچون سایر افراد جامعه از تمام حقوق اساسی و عادی که پیش‌بینی شده است نه تنها بهره‌مند شوند بلکه قوانین برای آن‌ها به‌گونه‌ای باشد که این محدودیت‌ها را جبران کند. زنان به دلیل آسیب‌پذیری شایسته حمایت ویژه در نظام عدالت کیفری هستند و عدم توجه به بزه‌دیدگی آنان، یأس، بزه‌دیدگی ثانویه و حتی بزهکاری را به دنبال خواهد داشت.

از دیدگاه جرم‌شناختی نیز، زنان چه قبل از ورود به محاکم و چه بعد از ورود به آن با برخورد دست‌اندرکاران دستگاه عدالت کیفری، مورد بزه‌دیدگی قرار می‌گیرند. این رفتارها اغلب به عنوان «خشونت علیه زنان» مورد بحث قرار می‌گیرد (Rayejian, 2013: 58). ضمن این‌که «رقم سیاه بزهکاری» در جرائم علیه زنان بسیار بالاست، علت این است که زنان کمتر جرأت می‌کنند از خشونت‌هایی که بر آنان روا می‌شود صحبت کنند (لپز و فیلیزولا، ۱۳۷۹: ۴۴) و سمن‌ها می‌توانند به زن قدرت اعلام جرم و پیگیری را بدهند و حتی می‌توانند از این هم فراتر رفته و به‌طور مستقیم در فرآیند کیفری مداخله کنند. این اقدام قانون‌گذار از این جهت ارزشمند است که موجب حفظ شأن بزه‌دیده زن می‌شود، زیرا از حضور مکرر او در محاکم جلوگیری کرده و به این ترتیب در معرض بدرفتاری‌ها قرار نمی‌گیرد و بزه‌دیدگی ثانویه حاصل از خشونت در محاکم را تجربه نمی‌کند. او همچنین احساس



می‌کند که به رسمیت شناخته شده است و این حس، سلامت روانی او را تضمین می‌کند. علاوه بر این که مداخله سمن‌ها، امکان پیروزی وی در پرونده را افزایش می‌دهد.

### ۳-۳. اشخاص بیمار

اولین سمن‌هایی که پا به عرصه وجود گذاشتند در زمینه حمایت از بیماران بودند. این سازمان‌ها همواره تلاش کرده‌اند تا از درد و رنج بیماران بکاهند و تلاش بسیاری در راستای حمایت مادی و روانی از بیماران به عمل آورده‌اند. با تصویب ماده ۶۶ ق.آ.د.ک در سال ۱۳۹۲، ارائه خدمات این سازمان‌ها شکل جدیدی به خود گرفت و به آن‌ها اجازه داده شد تا در صورت داشتن صلاحیت و در محدوده اساسنامه‌شان به حمایت حقوقی از شاکیان بیمار در فرآیند دادرسی کیفری بپردازند. علت این حمایت این است که بیماران به دلیل وجود مشکلاتی جسمی و یا روانی اغلب مورد توجه بزه‌کاران قرار می‌گیرند. تحقیقی در این مورد از ۳۴۸ بیمار راجع به بزه‌دیدگی و در معرض خشونت قرار گرفتن به عمل آمد و مشخص شد که ۱۱/۲ درصد از نمونه‌ها قربانی جرم غیرخشونت‌آمیز و ۴/۳ درصد از آن‌ها قربانی جرم خشونت‌آمیز در دوره زمانی یک ماهه بودند. مهم‌ترین عامل بزه شدن نیز نداشتن هرگونه فعالیت معنادار روزانه بود که اغلب بیماران از انجام آن ناتوان هستند (Fitzgerald & et al., 2005). در واقع سطح بالای بزه‌دیده شدن با سطح بالای ضعف جسمی یا روانی همراه است (Fortugno & et al., 2013). البته قبل از تصویب قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، مطابق بند چ ماده ۴ آیین‌نامه تأسیس و فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد چنین حقی برای سمن‌ها در نظر گرفته شده بود و حتی در جهت حقوق از دست رفته بیماران خود می‌توانستند اقدام به گرفتن وکیل کنند. نمونه‌ای از این اقدام‌ها، تلاش کانون هموفیلی ایران در حمایت از قربانیان ورود فرآورده‌های خونی آلوده به ایران از شرکت مریو فرانسه است. با این وجود، ذکر مجدد موضوع در متن قانون آیین دادرسی کیفری به آن جنبه الزام‌آور بیشتری می‌دهد و سبب می‌شود تا دست‌اندرکاران نظام کیفری به سمن‌ها توجه بیشتری کنند.

### ۳-۴. ناتوانان جسمی و ذهنی

ناتوانی بزه‌دیدگان یکی از تازه‌ترین ملاک‌های آسیب‌شناسانه برای حمایت از بزه‌دیدگان خاص است. گزارش‌های پلیسی حاکی از این هستند که جرائم خشونت‌آمیز نسبت به افراد دارای ناتوانی جسمی و ذهنی به مراتب بیشتر از افراد عادی است (Demmitt, 2019). طبق آمارها در سال ۲۰۱۵، از هر ۱۰۰۰ نفر معلول بالای ۱۲ سال، حدود ۳۰ نفر قربانی جرائم خشونت‌آمیز شدند در حالی که این عدد در مورد افراد بدون معلولیت، ۱۲ نفر از هر ۱۰۰۰ نفر است (Cook, Smith, Harrell, 2015). ناتوانان اغلب به دلیل شرایط ویژه‌ای که دارند اقدام به اعلام جرم نمی‌کنند. این امر به‌ویژه زمانی رخ می‌دهد که مرتکب جرم کسی باشد که فرد معلول به وی نیاز دارد (پرستار). در این موارد، فرد دارای ناتوانی حتی اگر فرصت گزارش بزه دیدگی خود را داشته باشد، ممکن است به دلیل ترس از دست دادن مراقب خود یا قرار داده شدن در محیط‌های محدودتر و یا ترس از بزه‌دیدگی دوباره، از این امر خودداری کند (Nixon, 2019). گاهی نیز ناتوان جسمی، خود اقدام به اعلام جرم می‌کند اما به دلیل محدودیت امکان حضور مستمر و یا پیگیری دعوی کیفری را ندارد. ضمن این‌که در دادگاه و در مراحل رسیدگی، دارای فرصت‌ها و شرایط برابر با افراد سالم نیستند. بنابراین لازم است برای او شرایطی فراهم شود تا بزه‌دیدگی خود را گزارش دهد.

قانون‌گذار در راستای حمایت از ناتوانان، سمن‌ها را فراخوانده است، زیرا همواره این تصور وجود دارد زمانی که یک معلول قربانی جرم می‌شود نیازمند کمک ویژه و متناسب است که دولت به‌تنهایی از پس آن برنمی‌آید. از این رو به سمن‌ها اجازه داده که در فرآیند کیفری رسیدگی به بزه‌دیدگی این افراد وارد شوند.

### ۳-۵. میراث فرهنگی

میراث فرهنگی به این دلیل که پیشینه تاریخی یک ملت محسوب می‌شود بسیار ارزشمند است و هرگونه تعدی نسبت به آن، تعدی به تاریخ یک ملت تلقی می‌شود. به همین دلیل قانون‌گذار ما در مواد ۵۵۸ تا ۵۶۹ ق.م.ا از این ارزش ملی حمایت به عمل آورده و

هرگونه تعدی نسبت به آن را جرم دانسته است. جرائم علیه میراث فرهنگی به سبب ماهیت انتزاعی که دارند فاقد بزه‌دیده قابل شناسایی هستند. به این ترتیب که اگر جرمی نسبت به آن‌ها صورت گیرد بزه‌دیده انسانی وجود ندارد که اقدام به طرح شکایت کند و قانون‌گذار صرفاً سازمان میراث فرهنگی را شاکی محسوب می‌کند. مشکلی که ممکن است پیش بیاید این است که سازمان میراث فرهنگی از همه جرائم ارتكابی مطلع نمی‌شود و به این ترتیب بسیاری از مجرمین از چنگال عدالت می‌گریزند. برای رفع این مشکل، قانون‌گذار در سال ۱۳۹۲، در ماده ۶۶ ق.آ.د.ک به سمن‌هایی که اساسنامه‌شان در حوزه میراث فرهنگی است اجازه اعلام جرم و شرکت در دادرسی را داده است. این اقدام قانون‌گذار از این جهت ارزشمند است که سمن‌ها به دلیل این‌که متشکل از مردم هستند و مردم در همه‌جا حضور داشته و چشم و گوش این سازمان‌ها محسوب می‌شوند، هر جا هرگونه تعدی نسبت به میراث فرهنگی را ببیند گزارش داده و سازمان فوراً اقدام به اعلام جرم می‌کند. این اقدام از این جهت که برای حفظ حقوق نسل‌های فعلی و آینده مفید است، شایسته تقدیر است.

### ۳-۶. محیط‌زیست، بهداشت عمومی و منابع طبیعی (بزه‌دیدگان سبز)

محیط‌زیست، بهداشت عمومی و منابع طبیعی جزو مسائل نوظهوری است که توجه بسیاری از دولت‌ها را به خود جلب کرده است. این سه مفهوم امروزه تحت عنوان بزه‌دیده شناسی سبز شناخته می‌شوند. دولت‌ها نیز تلاش کرده‌اند با جرم‌انگاری تعدی به آن‌ها، از این بزه‌دیدگان حمایت به عمل آورند. در تبیین علت این قانون‌گذاری می‌توان دو نکته را مطرح کرد؛ نخست، ازجمله کارکردهای عدالت کیفری، نقش ترویجی و اعلامی آن نسبت به ارزش‌های جامعه است. یکی از این ارزش‌ها منابع طبیعی است. منابع طبیعی برای همه انسان‌ها در تمام زمان‌ها و مکان‌ها ارزشمند است، زیرا زیستن بدون منابع طبیعی حتی با ارتقای شگرف فن‌آوری بشری میسر نخواهد بود (ذاکر حسین، ۱۳۹۳: ۵۰). دوم، اثری که آلودگی محیط‌زیست بر جا می‌گذارد مختص همان محیط نیست و بر سلامت و بهداشت انسانی نیز آثار سوء دارد. این دو مسئله سبب

شده تا کشورها اقدام به وضع قوانین در حوزه محیط‌زیست، بهداشت عمومی و منابع طبیعی کنند. مطابق ماده ۶۸۸ ق.م.ا. ۱۳۷۵ اقدام علیه بهداشت عمومی جرم شناخته می‌شود. در تبصره ۱ این ماده، سه عنوان مجرمانه «تهدید علیه بهداشت عمومی»، «آلودگی محیط‌زیست» و «کشتار غیرمجاز دام و دفع فضولات دامی» قید شده است و به همین تناسب و رعایت ترتیب به «وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی»، «سازمان حفاظت از محیط‌زیست» و «سازمان دامپزشکی» در مقام اعلام‌کننده جرم اشاره شده است. از سوی دیگر علی‌رغم ظاهر تبصره ۱ ماده مذکور که اعلام جرم را فقط در صلاحیت سه دستگاه می‌داند، قانون‌گذار در ماده ۶۶ ق.آ.د.ک به سمن‌ها اجازه اعلام جرم در این حوزه را داده است. علت این است که دولت‌ها علی‌رغم تمام اقدام‌هایی که برای کنترل و مقابله با تهدیدات علیه محیط‌زیست به عمل می‌آورند اما هنوز نیز بحران‌ها و نابسامانی‌های زیادی ناشی از تعدی به این منابع وجود دارد و همواره این منابع در خطر قرار دارند. درواقع دولت‌ها به‌تنهایی نمی‌توانند از تخریب منابع طبیعی و محیط‌زیست ممانعت به عمل آورند و همین مسئله سبب شده به مشارکت مردمی و سمن‌ها روی آورند (برای دیدن نظر موافق بنگرید به دامغانی، عبدلی و بهمن‌پرور، ۱۳۹۶: ۱۰).

#### ۴. نحوه حمایت سمن‌ها

سمن‌ها از دو طریق می‌توانند به حمایت کیفری از بزه‌دیدگان آسیب‌پذیر برخیزند: اعلام جرم و شرکت در مراحل دادرسی.

##### ۴-۱. اعلام جرم

یکی از مصادیق مداخله سمن‌ها در فرآیند رسیدگی کیفری اعلام جرم است که در ماده ۶۶ ق.آ.د.ک آمده است.

حضور و مشارکت سمن‌ها در فرآیند اعلام جرم، به‌طور کلی بر دو مبنا تبیین می‌شود: نخستین دلیل در این زمینه، کمک به بزه‌دیدگان است. دومین دلیل، حمایت از منافع عمومی جامعه و تعقیب و پیگیری جرائم در جامعه است (مظفری، ۱۳۹۰: ۱۹)، زیرا این فرض وجود

دارد که علاوه بر بزه‌دیده، جامعه نیز از پیامدهای ناشیست و ناگوار این جرائم آسیب می‌بیند و به همین دلیل لازم است از مشارکت نهادهای عمومی جهت اعلام جرم بهره جوید. اعلام جرم از جانب سمن‌ها از این جهت ارزشمند است که با توجه به جایگاه سازمان‌های غیردولتی و تخصصی بودن آن‌ها و نیز شرایطی که به موجب آن اجازه فعالیت به آن‌ها داده می‌شود، اظهارنظر آن‌ها و اعلام جرم به وسیله آن‌ها به‌طور معمول از اشخاص حقیقی از استحکام و دقت بیشتری برخوردار است (کوشکی، ۱۳۹۲: ۷۳). ضمن این‌که سازمان‌های غیردولتی به عنوان «چشمان بیدار» جامعه و حاکمیت به عنوان یار و مددکار دادستان به شمار رفته و با حضور فعالی که در سطح جامعه دارند نقش انکارناپذیری در کشف و تعقیب جرائم و به‌طور کلی پیشگیری از جرائم در سطح جامعه بر عهده دارند (بابایی، ۱۳۸۹: ۵۹).

#### ۲-۴. شرکت در دادرسی

حق دیگری که طبق ماده ۶۶ ق.آ.د.ک به سمن‌ها داده شده، حق شرکت در دادرسی است. همان‌طور که بزه‌دیده آسیب‌پذیر ممکن است توانایی اعلام جرم را نداشته باشد؛ شرکت در جلسات دادرسی و پیگیری دعوی کیفری نیز برای او دشوار و یا غیرممکن است. در مواردی از این قبیل، سمن‌ها این اختیار را دارند که به نمایندگی از آن‌ها در تمام مراحل دادرسی شرکت کنند. عبارت «تمام مراحل دادرسی» دو نکته را در بر دارد. نخست، منظور از مرحله دادرسی ظرف زمانی خاصی است که دعوا در آن مطرح شده، مورد رسیدگی قرار گرفته و منتهی به صدور رأی قاطع مربوط می‌شود؛ مانند مرحله نخستین و مرحله تجدیدنظر (شمس، ۱۳۸۷: ۸۴). بنابراین سمن‌ها می‌توانند در تمام مراحل بدوی، تجدیدنظر و فرجام شرکت داشته باشند. دوم، به نظر می‌رسد استفاده از عبارت «تمام مراحل دادرسی» به صورت مطلق، مرحله تحقیقات مقدماتی در دادسرا را هم شامل شود. یعنی سمن‌ها امکان حضور در هر دو مرحله تحقیق و رسیدگی را دارند، زیرا نمی‌توان شرکت سمن‌ها در دادرسی را به معنای حضور تشریفات تلقی کرد و به نظر می‌رسد که

این سازمان‌ها بتوانند ادله خود را در مرحله تحقیقات مقدماتی نیز تقدیم کنند (رضانی قوام‌آبادی، ۱۳۹۶: ۵۹).

این دیدگاه منطقی و موافق با حقوق قربانی جرم و نزدیک‌تر به دادرسی منصفانه است، زیرا همان‌طور که متهم یا وکیل وی حق شرکت در تحقیقات مقدماتی را دارند، باید برای شاکی خصوصی نیز باید تمهیداتی اندیشیده شود. علاوه بر این قانون‌گذار برای مداخله و شرکت سمن‌ها در رسیدگی کیفری شروطی را نیز تعیین کرده است:

#### الف. سازمان‌ها عنوان سمن اتخاذ کند.

برای این‌که سازمانی، سمن تلقی شود لازم است که به عنوان سمن ثبت شود؛ یعنی ابتدا موضوع فعالیت سازمان تعیین شود سپس حداقل ۹ نفر به عنوان عضو تعیین می‌شوند. در مرحله بعدی تقاضانامه‌ای تکمیل و تشکیل پرونده می‌شود و بعد از تشکیل پرونده و انجام استعلامات امنیتی و انتظامی، پرونده به هیئت نظارت بر تأسیس و فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد ارسال خواهد شد. درنهایت پس از اخذ تأیید هیئت نظارت و مراجع ذی‌صلاح، مجوز فعالیت سازمان مردم‌نهاد صادر می‌شود (آیین‌نامه تأسیس سازمان‌های مردم‌نهاد).

#### ب. اساسنامه سمن‌ها در زمینه حمایت از بزه‌دیدگان آسیب‌پذیر باشد.

سمن‌ها به مانند بسیاری از شرکت‌ها نیاز به اساسنامه دارند و باید مطابق با اساسنامه فعالیت انجام دهند در غیر این صورت دچار تخلف شده‌اند. اساسنامه مهم‌ترین سند هر سازمان مردم‌نهاد است که باید حاوی اطلاعاتی نظیر اهداف سمن، موضوع فعالیت و مدت فعالیت باشد. طبق ماده ۶۶ ق.آ.د.ک، سمن‌ها صرفاً در زمینه‌هایی که در اساسنامه‌شان آمده می‌توانند فعالیت داشته باشند.

پ. سمن‌ها قبل از اقدام، باید از بزه‌دیده (در صورت امکان)، ولی یا قیم آن‌ها کسب اجازه کنند. مطابق تبصره ۱ ماده ۶۶ ق.آ.د.ک در صورتی که جرمی دارای بزه‌دیده خاص باشد، سمن‌ها باید قبل از اقدام، رضایت آن‌ها را کسب کنند. اگر هم بزه‌دیده به علت صغر یا عدم اهلیت قادر به اعلام رضایت نباشد سمن حمایت‌گر باید رضایت ولی، قیم و یا

سرپرست قانونی وی را کسب کند. اگر هم ولی، قیم یا سرپرست قانونی، خود مرتکب جرم شده باشد، سازمان‌های مذکور با اخذ رضایت قیم اتفاقی یا تأیید دادستان اقدام می‌کنند (رضوانی قوام‌آبادی، ۱۳۹۶: ۵۱).

ت. اگر سه بار متوالی اعلام جرم یک سازمان مردم‌نهاد در محاکم صالح به‌طور قطعی رد شود، برای یک سال از استفاده از حق مذکور در ماده ۶۶ ق.آ.د.ک محروم می‌شوند. مطابق تبصره ۳ ماده ۶۶ ق.آ.د.ک سمن‌هایی می‌توانند در حمایت از بزه‌دیدگان آسیب‌پذیر در فرآیند کیفری مداخله کنند که فهرست آن‌ها در سه ماهه ابتدای هر سال به تصویب قوه قضاییه برسد. به این تبصره اشکالاتی وارد شد و با تصویب بند «پ» ماده ۳۸ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور در سال ۱۳۹۵، نسخ شد. در حال حاضر طبق بند «پ» قانون اخیرالذکر: «سازمان‌های مردم‌نهاد در صورتی می‌توانند از حق مذکور در ماده ۶۶ ق.آ.د.ک استفاده کنند که از مراجع ذی‌صلاح قانونی ذی‌ربط مجوز اخذ کنند و اگر سه بار متوالی اعلام جرم یک سازمان مردم‌نهاد در محاکم صالحه به‌طور قطعی رد شود، برای یک سال از استفاده از حق مذکور در ماده ۶۶ قانون ذکر شده، محروم می‌شوند». به نظر می‌رسد با توجه به تبصره ۳ ماده ۲۲ آیین‌نامه، منظور از «مراجع ذی‌صلاح»، وزارت اطلاعات، وزارت دادگستری، نیروی انتظامی و سایر دستگاه‌های تخصصی است. علت محدودیت در نظر گرفته شده در راستای حمایت از بزه‌دیدگان آسیب‌پذیر است تا سازمان‌هایی که صلاحیت لازم جهت انجام امور کیفری را ندارند کنار گذاشته شوند، ضمن این‌که از تعدد پرونده‌های کیفری در محاکم دادگستری جلوگیری می‌شود.

##### ۵. چالش‌های کیفری حمایت سمن‌ها از بزه‌دیدگان آسیب‌پذیر

شیوه‌ای که قانون‌گذار برای حمایت کیفری از بزه‌دیدگان در نظر گرفته است به‌طور کامل کارآمد نیست و دارای مشکلاتی است که موفقیت آن را خدشه‌دار می‌کند. ایرادهایی نظیر نبود بسترهای لازم جهت مشارکت سمن‌ها (وروایی، محمدی و همت، ۱۳۹۵: ۳۹)، فقدان اتحادیه جهت هماهنگی سمن‌ها (وروایی، محمدی و همت، ۱۳۹۵: ۴۰)، معلوم نبودن کیفیت شرکت آن‌ها در جلسات دادرسی (کوشکی، ۱۳۹۲: ۷۹)، تعارض غیردولتی بودن سمن‌ها و

لزوم تصویب آن‌ها توسط مراجع دولتی (چکنی و حسنی، ۱۳۹۷: ۳۶۳)، درج نام سمن‌ها در لیست مصوب قوه قضاییه (رمضانی قوام‌آبادی، ۱۳۹۶: ۱۵۲؛ جوانمرد، ۱۳۹۴: ۱۱۶)، عدم امکان ارسال نماینده حقوقی به دادگاه (سودمند راد، ۱۳۹۵: ۶۲)، عدم شناسایی حق دسترسی به اطلاعات طبقه‌بندی شده (رمضانی قوام‌آبادی، شفیع سردهشت، ۱۳۹۱: ۸۰) و عدم مشارکت مؤثر در فرآیند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری (رمضانی قوام‌آبادی، شفیع سردهشت، ۱۳۹۱: ۸۱). همه این چالش‌ها در مقالات اخیرالذکر به خوبی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. از این رو در مقاله حاضر از بحث راجع به آن‌ها صرف نظر شده و به بررسی چالش‌هایی پرداخته شده که به شکل دیگری می‌توانند حقوق بزهدیدگان آسیب‌پذیر را به چالش بکشانند.

#### ۱-۵. نبود معیاری جهت ارزیابی سمن‌ها

طبق ماده ۶۶ ق.آ.د.ک، تنها سمن‌هایی می‌توانند از بزهدیدگان آسیب‌پذیر حمایت به عمل آورند که در اساسنامه آنان چنین امری پیش بینی شده باشد. این حق به صورت مطلق و بدون هیچ قید و شرطی در این ماده آورده شده است بدون اینکه معیار و ضابطه خاصی برای انتخاب این سازمان‌ها تعیین شود. روز به روز سمن‌های جدیدی پا به عرصه ظهور می‌گذارند و منطقی نیست که همه آن‌ها صلاحیت ورود در پرونده کیفری را داشته باشند. ضمن اینکه نبود معیار و ضابطه سبب می‌شود باب اعمال سلیقه و تبعیض باز شود. لذا شایسته است معیارهای لازم جهت انتخاب سازمان‌های دارای صلاحیت توسط یک نهاد نظارتی تعیین شود.

#### ۲-۵. محدودیت مداخله سمن‌ها

یکی از مشکلات ماده ۶۶ ق.آ.د.ک میزان مداخله سمن‌ها در فرآیند دادرسی کیفری است و این سؤال وجود دارد که آیا سمن نقش شاکی را نیز دارد. لایحه آیین دادرسی کیفری قبل از اصلاحات ۱۳۹۴، سمن‌ها را به عنوان شاکی به رسمیت می‌شناخت، زیرا اختیاراتی نظیر طرح و اقامه دعوا، شرکت در جلسات دادرسی و اعتراض به آراء را برای سمن‌ها قائل بود که در حوزه اختیارات شاکی قرار داشت. اصلاح ماده ۶۶ ق.آ.د.ک و حذف



اختیاراتی که پیشتر گفته شد دلالت بر این داشته که سمن‌ها صرفاً اعلام‌کننده جرم هستند و به این ترتیب قانون‌گذار میزان مداخله سمن‌ها را کاهش داده است. افزون بر این، صرف اعلام جرم نیز برای بزه‌دیدگان چندان سودمند نبوده است، زیرا با توجه به مواد قانونی، هر شخص دیگری غیر از سمن‌ها نیز توانایی اعلام جرم نسبت به بزه‌دیدگان آسیب‌پذیر را دارد. با نگاهی به ماده ۶۴ آ.د.ک مشاهده می‌شود که تا قبل از تصویب ماده ۶۶ نیز امکان اعلام جرم از طریق افراد موثق وجود داشت. محدودیت دیگری که قانون‌گذار برای سمن‌ها در نظر گرفته به قسمت دوم تبصره «۴» ماده ۶۶ ق.آ.د.ک برمی‌گردد که مقرر داشته در جرائم منافی عفت، چه جلسات به صورت علنی برگزار شود و چه غیرعلنی، سمن‌ها حق شرکت ندارند و صرفاً می‌توانند اعلام جرم کرده و دلایل خود را ارائه کنند. به این ترتیب، شرکت در مراحل دادرسی نیز به‌طور کامل نیست و حقی که برای سمن‌ها در نظر گرفته شده نصف و نیمه است.

### ۳-۵. فقدان ضمانت اجرا جهت تخلف سمن‌ها

یکی از اشکالات ماده ۶۶ ق.آ.د.ک در نظر نگرفتن ضمانت اجرا جهت تخلفات، تقصیرها و اقدام‌های غیرقانونی سمن‌ها در راستای مداخله در فرایند کیفری است. سمن‌ها مانند هر شخص حقیقی یا حقوقی دیگر مصون از اشتباه نیستند. آن‌ها گاه ممکن است برای نیل به اهداف خود دست به اقدام‌هایی غیرقانونی، صحنه‌سازی و اتهام‌زنی بزنند. همچنین ممکن است در اعلام جرم و انجام اقدام‌های حمایتی نسبت به بزه‌دیدگان آسیب‌پذیر کوتاهی کنند. متأسفانه قانون‌گذار تدابیر قانونی برای نظارت بر این سازمان‌ها مقرر نکرده و به این ترتیب تخلف‌های آنان فاقد ضمانت اجرا است.

### ۴-۵. عدم آشنایی قضات با فلسفه وجودی سمن‌ها و کمک به آن‌ها

یکی از چالش‌هایی که سبب کاهش کارایی سمن‌ها در حمایت از بزه‌دیدگان آسیب‌پذیر می‌شود عدم آشنایی قضات با این نهادهاست. قضات اغلب ماده ۶۶ ق.آ.د.ک را تفسیر مضیق کرده و آن را به «اعلام جرم» سمن‌ها محدود می‌کنند. آن‌ها به سمن‌ها به عنوان

رکن سوم در نظام کیفری، به مانند دو رکن دیگر یعنی شاکی و متهم، نگاه نمی‌کنند و از این رو نقشی نیز برای سمن‌ها پیرامون شرکت در جلسات دادرسی به عنوان شاکی یا مدعی خصوصی قائل نیستند. شاید به همین دلیل در دستورالعمل اخیر رئیس قوه قضائیه در خصوص نحوه مشارکت و تعامل نهادهای مردمی با قوه قضائیه، آمده که قضات می‌توانند به منظور حمایت از بزه‌دیدگان خاص در فرایند کیفری، امکان ارائه خدمات آموزشی، مشاوره‌ای و حمایتی از سوی نهادهای مردمی را فراهم آورند (ماده ۲۰) و یا در ماده ۲۱ آورده که قضات در اجرای قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱، قانون مبارزه با قاچاق انسان مصوب ۱۳۸۳ و ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی، باید از ظرفیت‌های مددکاری، اجرایی و حمایتی نهادهای مردمی در جهت حمایت از اطفال و نوجوانان بزه‌دیده استفاده کنند. همچنین در ماده ۲۲ دستورالعمل پیش‌گفته به دادستان اختیار داده شده که در اجرای ماده ۷۰ ق.آ.د.ک در راستای حمایت از بزه‌دیدگان محجور فاقد ولی یا قیم، در مواردی که امکان طرح شکایت از جانب قیم یا ولی وجود نداشته باشد و یا نصب قیم موجب فوت وقت یا توجه ضرر به محجور شود، نماینده سمن‌ها را به عنوان قیم موقت تعیین کند. علاوه بر این، در ماده ۲۵ همین دستورالعمل امکان ارجاع پرونده میانجیگری به سمن‌ها را داده است. همچنین تبصره ۲ ماده ۲۸ دستورالعمل قضات را مکلف کرده در رسیدگی به موضوعات مذکور در ماده ۶۶ ق.آ.د.ک امکان شرکت نمایندگان سمن‌های اعلام‌کننده جرم را فراهم کرده و در سایر موارد از آن‌ها به عنوان مطلع می‌توان دعوت کرد.

به‌طور کلی می‌توان این اقدام رئیس قوه قضائیه را اقدامی مثبت در راستای حمایت سمن‌ها از بزه‌دیدگان خاص دانست و لازم است جهت اجرای هرچه بهتر این دستورالعمل، آموزش‌های لازم به قضات داده شود.

#### ۶. چالش‌های غیرکیفری حمایت سمن‌ها از بزه‌دیدگان آسیب‌پذیر

از جمله عوامل ناکارآمدی سمن‌ها در حمایت از بزه‌دیدگان آسیب‌پذیر چالش‌های غیرکیفری هستند. این چالش‌ها عمدتاً به ماهیت سمن‌ها و سیستم فرهنگی و اجتماعی

کشور ما برمی‌گردند. امید است اشاره به این چالش‌ها، توجه و آگاهی بیشتر خوانندگان را سبب شود.

#### ۱-۶. ضعیف بودن ماهیت حقوقی سمن‌ها

یکی از مهم‌ترین مشکلات پیش روی سمن‌ها ماهیت حقوقی ضعیف آن‌ها است؛ به این معنا که سمن‌ها نیازمند نهادهایی هستند که از حقوق آن‌ها دفاع کنند و قدرت حقوقی آن‌ها را بالا ببرند تا توجه بیشتری به آن‌ها و فعالیت‌هایشان صورت گیرد. در واقع سمن‌ها نیاز به حامیان قدرتمند دارند. عدم وجود چنین قدرتی سبب کاهش کارایی آن‌ها می‌شود.

#### ۲-۶. جزیره‌ای عمل کردن سمن‌ها

یکی از عواملی که می‌تواند سبب اختلال در کمک‌رسانی سمن‌ها باشد، جزیره‌ای عمل کردن و رقابت آن‌ها با یکدیگر است. سمن‌ها خود را به صورت یک دایره بسته در آورده‌اند و هیچ علاقه‌ای به ارتباط با سایر سازمان‌ها ندارند. علت این مسئله می‌تواند ناشی از نگاه امنیتی باشد که امکان همکاری و تشکیل شبکه بین این سازمان‌ها را با مشکل روبرو می‌سازد. همچنین عدم اجماع سمن‌ها در اهداف، ارزش‌ها و استراتژی‌های مشترک، می‌تواند از عوامل تعامل نداشتن این سازمان‌ها با یکدیگر باشد. نبود فرهنگ مشارکت در میان این سازمان‌ها، میل به فعالیت‌های فردی، ضعف دانش جمعی و بی‌اعتمادی به یکدیگر از دیگر عواملی است که تعامل مستمر آن‌ها را با یکدیگر خدشه‌دار کرده است. این مسائل سبب شده تا الگوی ارتباطی مستمر بین این سازمان‌ها شکل نگیرد (رازقی و لطفی خاچکی، ۱۳۹۷: ۱۱۴). علاوه بر این، حتی موقعیت‌هایی دیده شده که سازمان‌هایی که کار مشابه انجام می‌دادند (مانند دو سمن که در زمینه حمایت از اطفال و نوجوانان اقدام می‌کنند) تمایل به همکاری در پرونده‌های مشترک ندارند. اگر یک سازمان وظیفه حمایت‌کیفری از یک طفل را بر عهده گرفت، سازمان‌های دیگر باید زمینه موفقیت آن را فراهم کنند و موفقیت یک سمن را موفقیت خود بدانند. اما متأسفانه در عمل، سمن‌ها خود را به عنوان سازمانی با مدیران و اعضای خاص خود می‌دانند که مسیر

خود را می‌روند و هیچ ارتباطی با دیگر سازمان‌ها ندارند. در واقع ارتباط افقی سازمان‌ها با یکدیگر ضعیف است و هیچ سازمانی مکمل سازمان دیگری نیست و کمک به دیگری نمی‌کند. نتیجه این امر موازی‌کاری و رقابت‌های مخرب است که سبب خنثی‌سازی کار سمن‌های دیگر می‌شود.

### ۳-۶. عدم اعتماد مردم به سمن‌ها

یکی از مسائل مهم در جامعه ما نبود اعتماد اجتماعی است. اعتماد مردم به مردم و مردم به دولت در جامعه ما بسیار اندک است و تبعات آن خود را در مشارکت مردمی نشان می‌دهد، زیرا طی این سال‌ها بارها سودجویانی به بهانه حمایت از افراد آسیب‌پذیر و در لباس فعال اجتماعی و با هدف شهرت و قدرت اقدام به تشکیل سازمان‌های مردم‌نهاد کردند. این‌ها در واقع سمن‌های کاغذی بودند که پس از رسیدن به اهداف و منافع شان فعالیت مدنی را کنار گذاشتند و نتیجه آن چیزی جز بی‌اعتمادی مردم را در پی نداشته است (برای دیدن نظر موافق بنگرید به مرکز پژوهشی آرا، ۱۳۹۹). علاوه بر این، گاهی جامعه به دلیل پیش‌فرض انتفاعی بودن هر رفتاری، نوعی «بی‌اعتمادی» در قبال این سازمان‌ها دارد و گاهی نیز بدبینی شهروندان و پیش‌فرض «محکوم به شکست بودن هر اصلاحی» سد راه این سازمان‌ها می‌شود (رازقی و لطفی خاچکی، ۱۳۹۷: ۱۱۳).

### ۴-۶. نبود شفافیت اطلاعات در جامعه

یکی از مسائلی که به ورود سمن‌ها در حوزه رسیدگی‌های کیفری کمک می‌کند، لزوم شفافیت در اطلاع‌رسانی عمومی است. اگر انحصار اطلاعاتی از حوزه‌های مختلف دستگاه‌ها برداشته شود و به‌راحتی این آمار منتشر شوند، می‌توان مردم را به حوزه‌های مختلف حساس کرد و این حساسیت زمینه مشارکت بیشتر مردم و در نتیجه موفقیت بیشتر سمن‌ها را به دنبال دارد. اگر آمار جرائم ارتكابی نسبت به اطفال و نوجوانان، زنان و معلولان به مانند مسائل حوزه محیط‌زیست (خطر انقراض درختان بلوط، بحران آب و

خشک شدن دریاچه ارومیه)، به صورت شفاف اعلام شود، سبب ایجاد انگیزه و مشارکت مردم و حتی نظارت بیشتر مردم بر عملکرد سمن‌ها در این حوزه می‌شود.

#### ۵-۶. کمبود همکاری با رسانه‌های جمعی

یکی از مشکلات سمن‌ها، نداشتن همکاری مناسب با رسانه‌های جمعی و یا دسترسی نداشتن به این تریبون‌ها است. اکثر سمن‌ها برای سازمان‌دهی یک فعالیت اجتماعی به روزنامه‌نگاران تکیه می‌کنند و از آن‌ها انتظار دارند که تمام مسائل را پوشش دهند. وقتی هم که میزان مراجعه مردمی به آن‌ها کم می‌شود این مسئله را به رسانه‌های جمعی نسبت می‌دهند و آن‌ها را متهم می‌کنند. به نظر لازم است که هر سازمان مردم‌نهاد صرف‌نظر از این‌که کوچک باشد یا بزرگ و فقیر باشد یا ثروتمند، باید مدیر روابط عمومی مخصوص به خود را داشته باشد. به این ترتیب مخاطبان آن‌ها من جمله زنان و کودکان می‌توانند از طریق رسانه‌ها از خدمات و فعالیت‌های آن‌ها مطلع شوند. در واقع یک گام مهم و استراتژیک برای موفقیت سمن‌ها در حمایت از بزه‌دیدگان خاص، این است که با رسانه‌های جمعی در بلندمدت همکاری داشته باشند و یا به عبارتی دارای تریبون باشند. لازم است برای تحقق این امر دولت در میادین علمی، رسانه، مطبوعات و صداوسیما یک کرسی در اختیار سمن‌ها قرار دهد.

#### ۶-۶. عدم تخصص حرفه‌ای

یکی از مهم‌ترین مسائل در حوزه سمن‌ها عدم تخصص و تجربه لازم در تمام موضوعات است. سمن‌هایی که اساسنامه آن‌ها برای مثال حمایت از زنان است تجربه و مهارت لازم برای حل تمام مسائل (حقوقی، اجتماعی و فرهنگی) مربوط به این افراد را ندارد و در عین حال اغلب علاقه‌ای به گذراندن دوره‌های تمرینی و شرکت در کارگاه‌های آموزشی ندارند. یک روان‌درمانگر خوب لزوماً یک مشاور حقوقی خوب نیست و یک مشاور حقوقی نمی‌تواند حمایت عاطفی لازم از قربانی جرم را به عمل آورد. لازمه حل این مشکل، آموزش دیدن و گذراندن دوره‌های مهارتی و استفاده از افراد متخصص است که

متأسفانه در بیشتر جوامع توسعه‌نیافته، آموزش مناسبی به مؤسسين و اعضای این سازمان‌ها داده نمی‌شود و تنها با اعطای مجوز فعالیت به آن‌ها، این سازمان‌ها به حال خودشان رها می‌شوند (برای دیدن نظر موافق بنگرید به خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۹۷).

همچنین متمرکز نبودن بیشتر نهادهای غیردولتی در فعالیتی خاص و یدک کشیدن عناوین کلی فرهنگی - اجتماعی و کسب مجوز به صورت هم‌زمان از تعدادی از سازمان‌های مرتبط از دیگر نکاتی است که می‌تواند در عدم کارآمدی این سازمان‌های غیردولتی مؤثر باشد؛ تشکلی که در همه حوزه‌ها فعالیت می‌کند نمی‌تواند آن‌چنان‌که باید و شاید، موفق عمل کند و توانش را روی مسائل مختلف به هدر می‌دهد، در حالی که اگر سازمان‌های غیردولتی بتوانند پیرامون موضوعی مشخص و با استفاده از کارشناسان و خبرگان آن موضوع کار کنند نتایج مفید آن در جامعه بیشتر ملموس است (مرکز پژوهش آرا، ۱۳۹۹).

#### ۶-۷. عدم تعهد

یکی از عواملی که سبب تضييع حقوق افرادی می‌شود که تحت حمایت سمن‌ها قرار دارند، عدم تعهد این سازمان‌ها است. در بسیاری از موارد ما شاهد ناپدید شدن یک سازمان مردم‌نهاد و به دنبال آن تضييع حقوق افراد هستیم. علت این عقب‌نشینی و عدم تعهد این است که اعضای این سازمان‌ها اغلب به اندازه کافی در کارشان جدی نیستند و یا به کار اصلی دیگری اشتغال دارند و فعالیت در سازمان مردم‌نهاد شغل فرعی آن‌ها است.

#### ۶-۸. فقدان پشتیبانی اجتماعی

اغلب افرادی که در سمن‌ها مشغول به فعالیت هستند از بازخورد اجتماعی خوبی برخوردار نیستند و حتی بسیاری از این افراد نه تنها توسط خانواده‌هایشان مورد پشتیبانی قرار نمی‌گیرند بلکه مورد سرزنش نیز قرار می‌گیرند. در واقع یک بی‌تفاوتی جمعی نسبت به مسائل اجتماعی نظیر مسائل مربوط به زنان وجود دارد و یا همه در مورد ضرورت

حمایت از معلولان صحبت می‌کنند اما هیچ‌کس مشتاق صرف زمان و پول خود برای حمایت از این افراد نیست.

### ۶-۹. کمبودهای مالی

یکی از موانع و مشکلات مهم سمن‌ها فقدان منابع مالی و حمایتی مستمر و گسترده است. اصولاً درآمد این سازمان‌ها به صورت مردمی، خیرین و حامیان مالی صورت می‌گیرد؛ برای مثال، حامیان مالی‌ای که در برخی برنامه‌های سمن‌ها شرکت می‌کنند و برنشان در کنار برنامه‌های سمن‌ها قرار می‌گیرد. در واقع حامیان مالی از کمک به سمن‌ها به عنوان تبلیغ خود استفاده می‌کنند و سمن‌ها هم از آن نفع می‌برند. اما این به معنای استقلال مالی سمن‌ها نیست و آن‌ها همچنان نیاز مالی دارند. این نیاز مالی از دو جهت آسیب‌زا است؛ از یک جهت سازمان برای انجام برنامه‌های حمایتی برای مثال گرفتن وکیل برای شاکی خصوصی نیاز به منبع مالی دارد و در صورت فقدان آن، حمایت لازم به عمل نمی‌آید. از جهت دیگر، سازمان باید به اعضای خود که در آن مشغول به خدمت‌رسانی هستند حقوق پرداخت کند و یا حداقل آن‌ها را تا اندازه‌ای از نظر مالی حمایت کند که بدون هیچ دغدغه‌ای در خدمت سازمان باشند.

در بررسی‌های به عمل آمده از فعالان سازمان‌های غیردولتی نیز به کمبود منابع مالی و پایین بودن درآمد اشاره شده است. همچنین کمبود منابع کالبدی و نبود فضای کار و ساختمان از موارد دیگری است که بر آن تأکید شده است. اعضای این سازمان‌ها بیان داشته‌اند که سازمان‌های غیردولتی از «روندهای پایداری برای تولید منابع مالی» بهره‌مند نیستند و بنابراین از یک‌سو در جذب یا حفظ نیروهای متخصص ناتوان‌اند و از سوی دیگر به منابع دولتی وابسته‌اند (رازقی و لطفی خاچکی، ۱۳۹۷: ۱۱۰). لذا آن چه ضروری به نظر می‌رسد این است که این سازمان‌ها باید تبدیل به نهادهای درآمدزا شوند تا بتوانند با قدرت بیشتری از افراد نیازمند حمایت به عمل آورند، زیرا استفاده از کمک‌های دولتی نیز پیامدهایی را به دنبال دارد از جمله اینکه استقلال این سازمان‌ها زیر سؤال می‌رود و دولت‌ها اغلب سازمان‌هایی را مورد حمایت قرار می‌دهند که با سیاست آن‌ها مخالفتی

نداشته باشند و اگر این سازمان‌ها دولت را نقد کنند، کمک‌های دولتی‌شان قطع خواهد شد. ضمن اینکه روی کمک‌های مردمی هم نمی‌توان چندان حساب کرد، زیرا دریافت کمک‌های مردمی نیز مقطعی است و استمرار ندارد.

بنابراین سمن‌ها باید به دنبال انجام فعالیت‌های اقتصادی در کنار فعالیت‌های خدماتی باشند و حتی می‌توانند در انجام این فعالیت از خود بزه‌دیدگان کمک بگیرند و در واقع شعار «مردم برای مردم» را تبدیل به شعار «بزه‌دیده برای بزه‌دیده» کنند. مزیت این امر از چند جهت است: نخست اینکه سازمان فوق از نظر اقتصادی مستقل می‌شود؛ دوم اینکه زمینه توانمندسازی و حل مشکلات مالی بزه‌دیدگان بکار گرفته شده بیشتر می‌شود و سوم اینکه دغدغه، نگرانی و تلاش یک بزه‌دیده برای حل مشکلات بزه‌دیدگان به مراتب بیشتر از یک انسان بدون سابقه بزه‌دیدگی است.

#### ۶-۱۰. نبود بسترسازی جهت استفاده از مردم

در همه کشورها قوانین به‌گونه‌ای تنظیم شده‌اند که زمینه حضور مردم در سمن‌ها را فراهم می‌کنند. اما در کشور ما چنین اقدام‌هایی صورت نگرفته است. به نظر می‌رسد ریشه این مشکل در نظام آموزش و پرورش ما باشد. در نظام آموزشی ما به پرورش شهروند به عنوان یک فرد مسئول توجهی نشده است و اگر هم آموزشی بوده بسیار اندک بوده است. در حالی که در سایر کشورهای جهان دولت‌ها تلاش می‌کنند تا بستر حضور و مشارکت مردمی را بیش از پیش فراهم کنند و برای این کار از شعار «مردم برای مردم و به وسیله مردم» بهره می‌گیرند. وقتی در کشور ما مردم از دوران کودکی این آموزش‌ها را نمی‌بینند، بنابراین دیدی هم نسبت به این موضوع‌ها ندارند و نتیجه این می‌شود که رویکردهای عام‌المنفعه محدود به خانواده می‌شود.

#### ۶-۱۱. عدم اعتماد دولت به مردم

یکی از مشکلات دیگر سمن‌ها، نبود اعتماد دولت به مردم است. به‌زعم فعالان، دولت نگرش صحیحی به سازمان‌های غیردولتی نداشته و در سطوح مختلف به سازمان‌های



غیردولتی نگاه «امنیتی» دارد و نقش تصمیم‌ساز برای آن‌ها قائل نیست؛ گویی نهادهای مدنی به عنوان «نماینده‌های جامعه» مورد پذیرش نیستند. گاهی سمن‌ها حس می‌کنند که در دولت «نگاهی از بالا به پایین» به آن‌ها وجود دارد. گاهی هم موضع دولت را همچون یک «کارفرما» می‌بینند و گاهی حس می‌کنند که دولت آن‌ها را «مزاحم» یا «سیاهی لشگر» می‌داند (رازقی و لطفی خاچکی، ۱۳۹۷: ۱۱۵).

اگر دولت به مردم اعتماد کند حرکت‌های بزرگی در زمینه حمایت از افراد نیازمند اتفاق می‌افتد. یک نمونه از اعتماد دولت به مردم که به خوبی جواب داده است راهپیمایی اربعین است که به عنوان بزرگ‌ترین گردهمایی میلیونی در سطح جهان شناخته می‌شود. در این گردهمایی دولت به مردم اعتماد کرده و اجازه حضور خودجوش مردم را داده و نتیجه آن موفقیت‌آمیز بوده است. اگر دولت به همین شکل در سایر زمینه‌ها به سمن‌ها اعتماد کند فعالیت‌های آن‌ها سازمان‌یافته‌تر و هدفمندتر می‌شود.

#### ۶-۱۲. بومی نبودن

سمن‌ها از دهه هفتاد به‌طور چشمگیری فعالیت خود را در ایران شروع کردند و اغلب با الگوگیری از سمن‌های اروپایی شکل گرفتند. این سازمان‌ها و اصول و مبانی‌شان بیشتر وارداتی بوده و ریشه در آداب و رسوم و فرهنگ ایرانی اسلامی ندارد و همین امر سبب عدم موفقیت خیلی از آن‌ها را فراهم کرده است. برای مثال، مسئله زنان و اقلیت‌ها را از اروپا و آمریکا آورده‌اند و پس از مدتی به قدری تبلیغ کرده‌اند که خود در حال تبدیل شدن به یک مسئله جدید است (مرکز پژوهشی آرا، ۱۳۹۹). در مقابل تشکل‌ها و یا اقدام‌ها مردمی که در جامعه ما ریشه در باورهای اعتقادی مردم داشته‌اند با موفقیت عمل کرده‌اند. برای مثال اقدام‌های برنامه‌های مناسبتی ماه رمضان در جمع‌آوری کمک برای نیازمندان در قالب طرح محسنین و طرح افطاری به سیل‌زدگان غرب کشور.

## فرجام سخن

ورود به مباحث بزه‌دیده‌شناسی و نقش سمن‌ها، به تدریج سبب ورود جلوه‌های سیاست جنایی مشارکتی در زمینه حمایت از بزه‌دیدگان به بسیاری از کشورها از جمله ایران شد و قانون‌گذار از ظرفیت این سازمان‌ها جهت حمایت از بزه‌دیدگان خاص بهره برد. بزه‌دیدگان مورد حمایت سمن‌ها عبارت‌اند از اطفال و نوجوانان، بیماران، ناتوانان جسمی و ذهنی، زنان، محیط‌زیست، منابع طبیعی و میراث فرهنگی. این اشخاص، به دلیل شرایط ویژه جسمی، فیزیکی، اجتماعی و ماهیت وجودی‌شان در معرض آسیب‌پذیری بیشتر و لذا نیازمند حمایت بیشتر هستند. حمایتی که طبق ماده ۶۶ ق.آ.د.ک از این افراد به عمل آمده عبارت است از اعلام جرم و شرکت در دادرسی توسط سمن‌ها.

نتایج تحقیق بیانگر این است که به‌کارگیری سمن‌ها در راستای توانمندسازی بزه‌دیده، اقدامی شایسته است که موجب توسعه قضایی و تعالی جامعه می‌شود. لیکن مداخله این سازمان‌ها در فرآیند دادرسی دارای ابهام‌هایی است. به عنوان مثال، در مورد امکان شرکت سمن‌ها در مرحله تحقیقات مقدماتی قانون‌گذار سکوت کرده است. به نظر می‌رسد اطلاق واژه «تمام مراحل دادرسی» شامل هر دو مرحله تحقیقات و دادرسی باشد. همچنین در مورد کیفیت حضور سمن‌ها، به نظر می‌رسد آن‌ها حق دارند حضور فعال داشته باشند، زیرا صرف حضور انفعالی در جلسه دادرسی هیچ کمکی به جلب منافع شاکی نمی‌کند و فلسفه وضع این ماده با حضور فعال سمن‌ها هماهنگی بیشتری دارد. علاوه بر این مشارکت فعال سمن‌ها در فرآیند کیفری، به کشف جرم نیز کمک می‌کند.

یافته‌های تحقیق همچنین بیانگر این است که حمایت سمن‌ها از بزه‌دیدگان چالش‌هایی را به همراه دارد. برخی از این چالش‌ها کیفری بوده، به شرایط ماده ۶۶ ق.آ.د.ک برمی‌گردد که نیازمند بررسی دوباره است به‌گونه‌ای که زمینه حضور و حمایت مؤثر سمن‌ها از بزه‌دیدگان به‌طور کامل به عمل آید، زیرا این افراد همواره در معرض بزه‌دیدگی هستند و بی‌توجهی قانون‌گذار در تصویب این ماده به شکلی این‌چنین، بی‌مهری بزرگ دیگری نسبت به آن‌ها است. حضور درست و به‌قاعده سمن‌ها در فرآیند دادرسی کیفری و ارتباط نزدیک آن‌ها با بزه‌دیدگان، این امکان را فراهم می‌کند که

کمبودهای موجود لمس شوند و منجر به بهبود وضعیت و اجرای عدالت نسبت به این اشخاص شوند.

چالش‌های دیگر، غیرکیفری هستند؛ سمن‌ها از نظر حقوقی ضعیف بوده و نیازمند حمایت هستند، از اعتماد اجتماعی و حتی دولتی برخوردار نیستند، آن‌ها خود را مستقل از دیگر سمن‌ها می‌بینند و اعتقادی به کار دسته‌جمعی ندارند، تجربه حرفه‌ای در تمام موضوعات مربوط به بزه‌دیدگان ندارند و از رسانه‌های جمعی به درستی استفاده نمی‌کنند. مجموع این عوامل تضعیف سمن‌ها را موجب می‌شود. برای حل این چالش‌ها اقدام‌های زیر پیشنهاد می‌شود:

۱. دولت باید شرایطی را فراهم کند تا سمن‌ها بدون پرداخت هزینه از رسانه‌های جمعی جهت آموزش پیشگیری از بزه‌دیدگی به مردم استفاده کنند و مردم را نسبت به کارکرد سمن‌ها آگاه کنند؛

۲. سمن‌ها باید استقلال مالی داشته باشند و این مهم از چند طریق محقق شود. نخست از طریق حق عضویت‌ها و فعالیت‌های درآمدزا. دوم از طریق افراد، مؤسسات و سازمان‌های محلی، ملی، خصوصی و بین‌المللی که حامی این سازمان‌ها شوند. سوم، راه‌اندازی صندوق حمایت از سمن‌ها جهت ارائه خدماتی مثل وام‌های قرض‌الحسنه؛

۳. قوه قضاییه باید آموزش‌های ضمن خدمت را برای قضات و مسئولین قضائی در نظر بگیرد، زیرا آموزش قضات در زمینه سمن‌ها یکی از مهم‌ترین راهبردها جهت اجرای قانون است؛

۴. لازم است نظارت دائمی بر روند اجرا و پیشرفت فعالیت‌های سمن‌ها وجود داشته باشد و با ایجاد رتبه‌بندی در میزان حمایت از بزه‌دیدگان، آن‌ها را به سوی فعالیت‌های بهتر سوق داد.

## منابع

### الف. فارسی

بابایی، جابر (۱۳۸۹) «نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در پیشگیری از جرائم نوجوانان در حقوق ایران و اسناد الزام‌آور سازمان ملل متحد»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری دادگستری.

توجهی، عبدالعلی (۱۳۷۸) «سیاست جنایی حمایت از بزه‌دیدگان»، *مجله مجتمع آموزش عالی قم*، دوره چهارم، شماره ۴، صص ۲۷-۴۶.

توجهی، عبدالعلی (۱۳۸۰) «جایگاه حمایت از بزه‌دیدگان در اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی»، *مجله مجتمع آموزش عالی قم*، دوره اول، شماره ۹، صص ۵۱-۶۶.

جوانمرد، بهروز (۱۳۹۴) *آیین دادرسی کیفری*، جلد اول، تهران: انتشارات جاودانه.

چکنی، مصطفی و حسنی، محمدحسن (۱۳۹۷) «راهبردهای مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد در فرآیند کیفری (نقد تحلیل ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری)»، *مجله مجلس و راهبرد*، دوره بیست و پنجم، شماره ۹۴، صص ۳۴۱-۳۶۷.

خبرگزاری جمهوری اسلامی (۱۳۹۷)، «آسیب‌شناسی سازمان‌های مردم‌نهاد»، (دسترسی در [www.irannews.com/1397/03/18](http://www.irannews.com/1397/03/18)).

[www.irna.ir/news/83124230/](http://www.irna.ir/news/83124230/)

دامغانی، مریم، عبدلی، غلامرضا و بهمن پور، هومن (۱۳۹۶) «باز شناسایی دیدگاه کارشناسان و فعالان محیط‌زیست نسبت به جایگاه حقوقی و نقش سازمان‌های مردم‌نهاد (NGOs) محیط‌زیستی در کشور»، *مجله پژوهش در هنر و علوم انسانی*، دوره چهارم، شماره ۴، صص ۹-۲۲.

ذاکر حسین، محمدهادی (۱۳۹۳) «حمایت کیفری از منابع طبیعی؛ توجیحات حقوق بشری»، *مجله دادرسی*، دوره سوم، شماره ۱۰۵، صص ۴۹-۵۱.

رازقی، نادر و لطفی خاچکی، بهنام (۱۳۹۷) «تحلیل جامعه‌شناختی چالش‌های بقا و پایداری سازمان‌های مردم‌نهاد فعال در حوزه آسیب‌های اجتماعی؛ با تأکید بر رابطه آن‌ها با دولت»، *جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی*، دوره پنجم، شماره ۱۱، صص ۹۳-۱۲۲.

رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۸۴) *بزه‌دیده‌شناسی حمایتی*، تهران: نشر دادگستر.

- رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۸۵) «بزه‌دیدگان؛ حقوق و حمایت‌های بایسته»، **مجله پژوهش حقوق و سیاست**، دوره سوم، شماره ۱۹، صص ۱۱۷-۱۳۸.
- رمضانی قوام‌آبادی، محمدحسین (۱۳۹۶) «حضور سازمان‌های مردم‌نهاد در فرآیند کیفری در پرتو قانون آیین دادرسی کیفری»، **مجله حقوقی دادگستری**، دوره سوم، شماره ۹۹، صص ۱۳۹-۱۶۸.
- رمضانی قوام‌آبادی، محمد حسین و شفیعی سردشت، جعفر (۱۳۹۱) «آسیب شناسی طرح ناظر بر تاسیس، فعالیت و نظارت بر سازمانهای مردم‌نهاد»، **مجله تحقیقات حقوقی**، دوره چهارم، شماره ۵۸، صص ۴۹-۱۱۳.
- زارعی، محمدحسین (۱۳۸۶) «امنیت قضایی به‌مثابه حق»، **فصل‌نامه مجلس و راهبرد**، دوره دوم، شماره ۵۶، صص ۹-۴۶.
- زینالی، امیر و مقدسی، محمدباقر (۱۳۹۱) «حق بزه‌دیده بر امنیت و اطلاع‌رسانی در فرآیند کیفری»، **مجله تحقیقات حقوقی**، دوره اول، شماره ۵۷، صص ۲۲۷-۲۷۲.
- سودمند راد، امیر (۱۳۹۵) «نقش حمایتی سازمان‌های مردم‌نهاد در فرآیند رسیدگی کیفری»، **مجله دادرسی**، دوره چهارم، شماره ۱۱۸، صص ۶۰-۶۵.
- شمس، عبدالله (۱۳۸۷) **آیین دادرسی مدنی (دوره بنیادین)**، جلد دوم، تهران: دراک.
- عزیزی، علی‌رضا (۱۳۸۸) «پیشینه و مبانی حمایت از بزه‌دیده و متهم در فرآیند دادرسی کیفری»، **مجله حقوقی گواه**، دوره اول، شماره ۱۴، صص ۱۷-۲۸.
- فارل، گراهام و کورتا فیلیپس و کن پیس (۱۳۸۵) «چرا بزه‌دیدگی ثانوی اتفاق می‌افتد» ترجمه نوروز کارگری، **مجله فقه و حقوق**، دوره دوم، شماره ۹، صص ۱۴۱-۱۶۶.
- فتاح، عزت، سوسن خطاطان، و علی حسین نجفی ابرندآبادی (۱۳۷۱) «از سیاست مبارزه با بزهکاری تا سیاست دفاع از بزه‌دیده (ضرورت یک تغییر بنیادی در سیاست جنائی کنونی)»، **مجله حقوقی دادگستری**، دوره هشتاد و چهار، شماره ۳، صص ۸۵-۱۱۲.
- کوشکی، غلام حسن (۱۳۹۲) «سازمان‌های غیردولتی: از انفعال تا مشارکت رو به فعال در تعقیب دعوی عمومی (با نگاهی به قانون آیین دادرسی کیفری)»، **مجله پژوهشی حقوق کیفری**، دوره دوم، شماره ۴، صص ۶۵-۸۶.
- کوهکن، علیرضا (۱۳۸۸) **آسیب‌شناسی سازمان‌های مردم‌نهاد در ایران**، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دفتر مطالعات سیاسی.

گسن، ریموند (۱۳۷۰) **مقدمه‌ای بر جرم‌شناسی**، ترجمه مهدی کی‌نیا، تهران: چاپخانه علامه طباطبائی.

لپز، ژرار و فیلیزولا، ژینا (۱۳۷۹) **بزه‌دیده و بزه‌دیده‌شناسی**، ترجمه روح الله کرد علیوند و احمد محمدی، تهران: مجد.

مرکز پژوهشی آرا (۱۳۹۹) «آسیب‌شناسی سازمان‌های مردم‌نهاد در ایران/چه عواملی باعث عدم کارایی سمن‌ها در کشور شده است؟»، (دسترسی در ۱۳۹۹/۰۳/۱۸).

<https://ararc.ir/fa/2005>

مظفری، سیما (۱۳۹۰) «نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در فرآیند دادرسی عادلانه جرائم کودکان و نوجوانان در ایران و فرانسه»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی.

وروایی، اکبر و محمدی، همت و نوریان، ایوب (۱۳۹۵) «مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد در فرآیند کیفری»، **مجله حقوق و سیاست**، دوره دوم، شماره ۲۸، صص ۲۷-۴۴.

#### ب. انگلیسی

Demmitt, Audrey (2019) "**Crime against Persons with Disabilities: The Facts**", (Accessed January 26, 2020) at:

<https://www.visionaware.org/info/emotional-support/dealing-with-crime-or-domestic-violence-as-a-person-with-a-disability/crime-against-persons-with-disabilities/125>

Finkelhor, David (2011) "**Prevalence of Child Victimization, Abuse, Crime, and Violence Exposure**", Violence against Women and Children: Mapping the Terrain. Jacquelyn W. White, Mary P. Koss, & Alan E. Kazdin, (Eds). Washington, DC: American Psychological Association. pp. 9-29.

Fortugno, Federic and et al. (2013) "**Symptoms Associated with Victimization in Patients with Schizophrenia and Related Disorders**". PLoS ONE 8(3).

Cook, Royer, Barbara. Smith and Adele. Harrell (1990) "**Helping Crime Victims: Levels of Trauma and Effectiveness of Services in Arizona**", 1983-1984. Archival Version. Version: v0. ICPSR - Interuniversity Consortium for Political and Social Research. Dataset. Accessed July 1, 2020.

- Nixon, Margaret (2019) "**People with Disability Are More Likely to Be Victims of Crime– Here's why**", (Accessed March 18, 2020) at:  
<https://theconversation.com/people-with-disability-are-more-likely-to-be-victims-of-crime-heres-why-111999>
- Fitzgerald, Paul and et al. (2005) "Victimization of Patients with Schizophrenia and Related Disorders", **Australian and New Zealand Journal of Psychiatry**, Vol 39, No 3, pp.169-174.
- Rayejian, Mehrdad (2013) "Introducing General Theory of Victimology in Criminal Sciences", **Intl. J. Humanities**, Vol. 20, No. 3, pp. 53-79.

